

رساله تحفه الخواص      مدینه و تحفه الخواص

از تالیف عارف بالله  
وسالک سبیل الله غواص بحور  
معانی و کاشف اسرار بحالی مستباده  
عشق و ولای علی مرتضیٰ مرحوم میر و آقا میرزا پدا  
اشتیاق و زیر و قمر ایران و قدس سره لغزیز  
حسب الامر و خرمجیل و نخل جلیل انحر و حم خباب حلا  
جبل اکرم اسم آقا میرزا حسین وزیر و قمر ایران اوانم  
الله جل جلاله العا محض تر بیت و تنبیه  
خداوندان شوق و صاحبان فوق  
نیز اور طبع ار استه کرد بدنا  
خویش و عوام برانند و کاری

بسی و احکام و خط خادوم الفقیر  
الذی به میرزا حسین غفر له و آقا میرزا



فیک طوائف من ائمتی ما قالت النصاری فی  
 عیسی بن مریم لقلت فیک قولاً لا تمز بلاء  
 من الناس الا اخذوا شراباً ورجئت قد صلیت  
 بالمسوی بذات البرکة خلاصه مطلب آنست که حقیقه  
 محمد و علی ما عدای حقیقه مجموع ائمه علی عالم امکان است  
 و ایشان صادر اولند قال رسول الله ﷺ اول ما  
 خلق الله العقل وانا العقل زمانیکه عقل موجود  
 شد همه چیز بطویل عقل موجود شد و از این جهت بود که  
 فرمود محمد بن جابر صلیع الله واخلق صنایعنا و  
 هم چنین فرمود انا و علی ابوا هذه الامم  
 مشارالیه هذه خلق اولین و آخرین است اختصاص  
 بامت و شیعه معدود و آنها نخواهد داشت فرمود



س  
۹۸  
۷۸



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران







منه و به این بیان که هر چه از این کلام می آید باید که در حق او باشد و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند

به و کمال المقصدین توحید و کمال التوحید  
الأخلاص له و کمال الاخلاص نفی الصفات  
عنه در این صورت حکما و علما آنچه از معرفت  
ذات گفته و نوشته اند تنسیع وقت و اظهار  
فضیلت بوده آخر الامر حکم خیر الکلام ماقول و دل  
منفی باسطقس فوق الاسطقتات و ما عرفناک  
حق معرفتک شده لاجرم در معرفت اولیا بعد  
وسع باید منتساح شود که بودی خلقها شک و  
ضعیف و نبودی خلق محجوب و کشف درید  
و او معنی دادی غیر از این منطق بی بکثادی  
قال مرهوا لله صلی الله علیه و آله و علی علیه  
السلام یا شبهها من عیسی بن مریم لولا ان یقول

منه و به این بیان که هر چه از این کلام می آید باید که در حق او باشد و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند

قبلت بخدمت او و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند و این کلام را در حق او نمی گویند



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن  
مدرسا للعباد وهدى  
للبشر الصراط المستقيم  
والصراط المستقيم هو  
الذي لا يورثهم من بعدهم  
والصراط المستقيم هو  
الذي لا يورثهم من بعدهم

والمصطفى صلى الله عليه وسلم  
قال الصادق عليه السلام  
ان شربنا اوله والآخره  
اعين الحديث بطوله

كنت نبيا وادم بين الماء والطين وايضا فرمود  
انا وعلى من شجرة واحدة والناس كلهم من شجرة  
شقي شاه ولايت شاه بشارت همداني فرمود

يا حار همدان صعب برني من مؤمن او منافق فضلا  
يعرفني طرفه واعرفه بعنه واسمه وما فعلا  
فانت عند الصراط مستقيم فلا تخف عشرة ولا نزللا  
اقول للتاجر حين تولد له ذرية لا تفريج الرجل  
ذرية لا تفريج ان له حبل لا يجبل الوصو منصلا  
اسفيلت من بارد على ظماء نخاله في الحلاوة العسلا  
قول على الحار عجب كدما عجمه له حلا

زيارت نور جمال آنحضرت نهضت بوقت ارخمان ندارد ملكه  
در ايام رياضت و تزكية نفس هم بدیده بصیرت غیب یافت میشود

میشود









بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في خلقه  
مناقب محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خير البرية وأفضلها  
وهم خير خلق الله على وجه الأرض  
وهم خير خلق الله على وجه الأرض  
وهم خير خلق الله على وجه الأرض

فحق است که سر ولایت محمد و آل محمد که معنی واجب در  
صورت ممکن ظهور یافته قبول خاطر هر لبید پنداری کواهد  
منکر میشوند و تکفیر میکنند و باین قدر با قانع میشوند  
اظهار تصدیس نقل هر مجلس و نقل هر بازاری نمایند  
نعم ما قال ای صورت نو آدم و معنی الله هر دم  
بتوصد هزار باشد الله واجب صفتی لباس امکان  
لا حول ولا قوة الا بالله قادر مختار و خالق لیل و نهار  
فضایل و مناقب محمد و آل محمد را در کلام مجید مضموم و مرموز  
بان فرموده چنانچه در معرفت حضرت رسول صیقل یابد  
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز على علمه  
حريص عليكم بالموثنين سرفرحيم خلاصه معنی است  
این رسولی که اکنون در اعین شما ملاحظه شده است شما

و این است که سر ولایت محمد و آل محمد که معنی واجب در  
صورت ممکن ظهور یافته قبول خاطر هر لبید پنداری کواهد  
منکر میشوند و تکفیر میکنند و باین قدر با قانع میشوند  
اظهار تصدیس نقل هر مجلس و نقل هر بازاری نمایند  
نعم ما قال ای صورت نو آدم و معنی الله هر دم  
بتوصد هزار باشد الله واجب صفتی لباس امکان  
لا حول ولا قوة الا بالله قادر مختار و خالق لیل و نهار  
فضایل و مناقب محمد و آل محمد را در کلام مجید مضموم و مرموز  
بان فرموده چنانچه در معرفت حضرت رسول صیقل یابد  
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز على علمه  
حريص عليكم بالموثنين سرفرحيم خلاصه معنی است  
این رسولی که اکنون در اعین شما ملاحظه شده است شما

این رسولی که اکنون در اعین شما ملاحظه شده است شما  
و این است که سر ولایت محمد و آل محمد که معنی واجب در  
صورت ممکن ظهور یافته قبول خاطر هر لبید پنداری کواهد  
منکر میشوند و تکفیر میکنند و باین قدر با قانع میشوند  
اظهار تصدیس نقل هر مجلس و نقل هر بازاری نمایند  
نعم ما قال ای صورت نو آدم و معنی الله هر دم  
بتوصد هزار باشد الله واجب صفتی لباس امکان  
لا حول ولا قوة الا بالله قادر مختار و خالق لیل و نهار  
فضایل و مناقب محمد و آل محمد را در کلام مجید مضموم و مرموز  
بان فرموده چنانچه در معرفت حضرت رسول صیقل یابد  
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز على علمه  
حريص عليكم بالموثنين سرفرحيم خلاصه معنی است  
این رسولی که اکنون در اعین شما ملاحظه شده است شما



کما یقولون فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد

بسوی شما آمده است براد آسان است آنچه شما مشکل  
 بارشاد شما حریص و بموشن روف و جیم است بلکه بطور  
 قطع و یقین الباس معروف همان حقیقه محمدیه است که زنده  
 جاوید و ملازم بحر عالم امکا است طلوع نور انحضرت  
 از نفس با عین و غروب انحضرت از عین بانفس است  
 و همین اوصاف در علی بن ابیطالب موجود است و تحقیق  
 پیوسته خضر معروف هم اوست و حقیقه انجباب محاور  
 بر توحید است حکم صریح ابی الله ان بحری الامور  
 الا باسبابها آنچه در عالم امکان ملحوظ میشود هر شیئی  
 اسباب ایجاد شیئی دیگر است و حقیقه کلیه عقلانیه  
 اسباب ایجاد عالم امکان میباشد و در ایجاد حقیقه عقلانیه  
 هیچ واسطه مابین نبود مگر بعضی اراده ازلیه موجود شد

ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد

ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد

کما یقولون فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد  
 وانه لا یغیث فی کتبهم ان الله لا یخلف عهده وانه لا ینقض الوعد



و بهین ملاحظه فرمود لولا که لما خلفت الا فلان

جمیع فیوضات الهی با واسطه حقیقه مکتبه عقلانیه محمدیه وارد

میشود و هر که هر چه مقرر است از منبع حقیقه علم و عقل

منتظم شده و خواهد و این حقیقه معتدله در کل ماسوی

ساری و جاری و محیط است و از برای حضرت رسول

دو بیت مقرر است یکی بیت آفاق که عبارت از خانه که

و مدینه است و این بیت را الهی مخصوصی است از قبیل عابد

و خضه و اقم ایمن و سایر زوجات حضرت رسالت یکی

هم بیت نفس است و این بیت را هم اهل مشغول و محضه

که عبارت از علی و فاطمه و حسن و سایر ائمه اطهار الی

حضرت خجسته صلوة الله علیه و آله و سلم است چنانچه حدیثی

فرموده انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس الی الله

و بهین ملاحظه فرمود لولا که لما خلفت الا فلان

و بهین ملاحظه فرمود لولا که لما خلفت الا فلان  
جمیع فیوضات الهی با واسطه حقیقه مکتبه عقلانیه محمدیه وارد  
میشود و هر که هر چه مقرر است از منبع حقیقه علم و عقل  
منتظم شده و خواهد و این حقیقه معتدله در کل ماسوی  
ساری و جاری و محیط است و از برای حضرت رسول  
دو بیت مقرر است یکی بیت آفاق که عبارت از خانه که  
و مدینه است و این بیت را الهی مخصوصی است از قبیل عابد  
و خضه و اقم ایمن و سایر زوجات حضرت رسالت یکی  
هم بیت نفس است و این بیت را هم اهل مشغول و محضه  
که عبارت از علی و فاطمه و حسن و سایر ائمه اطهار الی  
حضرت خجسته صلوة الله علیه و آله و سلم است چنانچه حدیثی  
فرموده انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس الی الله  
و بهین ملاحظه فرمود لولا که لما خلفت الا فلان







مخصوصی داشتند که عموم آنها محرم اسرار نبودند

الخطاب عندكم من اراد الله بكم ومن وحده  
فبل عنكم بكم فتح الله وبكم بكم وبكم بكم  
ان تقع على الارض الا باذن واشهد ان هذا  
سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان اذنوا  
واجسامكم وطينكم واحده طابت وطهرت بعضها  
من بعض نعم ما قال نه از نطفه مرد و بطن زن اند  
چراغ اند از یکدگر روشن اند مقصود از مذاکره بنطاق  
این است که تضایل و مناقب حیدر کرار را تعد و لا کفی  
اگر شمه از آن در این اوراق نوشته شود فلق و ضطر  
و نحاشی و استبعاد در خواطر وقوع نیاید مخفی نماید  
که حضرت رسول خدا و ائمه اطهار بجهت هر معنی اصحاب  
مخصوصی داشتند که عموم آنها محرم اسرار نبودند







هیچ فضول سوش در قرآن مجید در مواضع عدید  
 مذاکره لفظ صلوٰۃ شده است که بعضی از آنها بحسب ظاهر  
 اختصاص بصورت صلوٰۃ دارد و برخی اشارت بحقیقه  
 صلوٰۃ است از آنجمله میفرماید **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ**  
**وَالصَّلَاةِ** و آنها الکبیرة الاعلی الخاشعین قال  
 رسول الله انا الصبر و علی صلوة و قال صلی الله  
 علیه و آله من اعان تارک الصلوة ولو بقطرة  
 الماء مکن مثل سبعین نبیا این آیه خبر میدهد که صبر کنایه  
 از محمد است و صلوٰۃ اشارت به علی بن ابیطالب است  
 قبول ولایت آنحضرت خلائق را کران است و تحمل ازنا  
 خاشعین خواهند نمود و مقصود از تارک صلوٰۃ در حد  
 بنوی ترک کنندگان علی بن ابیطالب است مثل صحابا

در قرآن مجید در مواضع عدید  
 مذاکره لفظ صلوٰۃ شده است که بعضی از آنها بحسب ظاهر  
 اختصاص بصورت صلوٰۃ دارد و برخی اشارت بحقیقه  
 صلوٰۃ است از آنجمله میفرماید **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ**  
**وَالصَّلَاةِ** و آنها الکبیرة الاعلی الخاشعین قال  
 رسول الله انا الصبر و علی صلوة و قال صلی الله  
 علیه و آله من اعان تارک الصلوة ولو بقطرة  
 الماء مکن مثل سبعین نبیا این آیه خبر میدهد که صبر کنایه  
 از محمد است و صلوٰۃ اشارت به علی بن ابیطالب است  
 قبول ولایت آنحضرت خلائق را کران است و تحمل ازنا  
 خاشعین خواهند نمود و مقصود از تارک صلوٰۃ در حد  
 بنوی ترک کنندگان علی بن ابیطالب است مثل صحابا







فحشا و منکر یا بعضی اشخاص هم تاویل و توجیه کرده اند  
 و لایحقی لطفه در موضوع دیگر خطاب بشعبان آنحضرت  
 فرموده **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ**  
**وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ** و آنحضرت است  
 مردیست که فرمود **الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ** این است  
 قبل فاسواها و آن مردیست که فاسواها  
 مقصود و حاصل معنی آنست که ولایت علی بن ابی طالب  
 علیه السلام عمود دین است چنانچه عمود دین کجالت  
 استقامت برقرار است مجموع اعمال اصول و  
 فروع مقبول حضرت غرت است هرگاه اعمو حاج  
 در شخص حاصل شود و در ولایت آنحضرت شک و  
 ریبی داشته باشد هیچ عمل مقبول نمیشود از جمله



خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 معنی و بیان در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام

اسامی آنحضرت که در قرآن بطور درخشان شده  
 و جهات است کما قال الله تعالی و لکل وجه  
 هو مولی بها فاستنبقوا الخیرات ایما نگویند بایات  
 بکم الله جمیعاً ان الله علی کل شیء قدیر حاصل  
 معنی آنکه در قلوب هر یک از بنی نوع انسانی روی  
 نمایند است که بپوشند توجه حقیقه ولایت مطلقه  
 بآن محل میباشد و نور حضرت ولی مطلق در آن موضع  
 میگردد و عیناً که شخص را آینه نگردد و عکس خود را نشاند  
 نماید وجه عبارت از قلب آینه را است هو مولی بها  
 اشاره بجهت وجه الله الاعظم و خلیفه الله اکرم  
 نور حقیقه علی علیه السلام است و کسی که شخص حامل وجه سید باشد  
 حکما فاستنبقوا الخیرات ایما نگویند بایات استنبقوا

معنی و بیان در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 معنی و بیان در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام

خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 معنی و بیان در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام  
 خلاصه کلام در بیان صفات حضرت زکریا علیه السلام



۹۰



وجه مذکور را بلفظ برهان رتبه بیان فرموده چنانچه  
 میفرماید و لقد همت به وهتم بها لولا ان رای  
 برهان رتبه بدانکه خداستعالی عهد و شایق  
 ولایت علی بن ابیطالب را از جمیع پیشامرسلین  
 لدن آدم الی خاتم باز کرده هر که مشتاق ولایت  
 و توفیق نور حقیقه آنحضرت را که بطور امانت در قلوب  
 بندگان ودلیعه گذاشته فراموش نمود و غفلت  
 ورزید بزحمتی صعب متبلا شد چنانچه در حق آدم <sup>میفرماید</sup>  
 و لقد عهدنا الی آدم من قبل فلسی ولی نجد  
 له عزما یجس فراموشی نور ولایت از شجره منبیه  
 خورد و زحمات عیدیه که در کتب مسطور است <sup>متبلا</sup>  
 کردید و ایضا میفرماید و اذا اخذنا من



النبیین میثاقهم ومنت ومن نوح و ابراهیم  
 و موسی و عیسی بن مریم و اخذنا منهم میثاقا  
 غلیظا و سحبین میفرماید و اذا اخذ الله میثاق  
 النبیین لانا انبئکم من کتاب و حکمه ثم جانکم  
 رسول مصدق لانا معکم لنؤمنن به و لننصرنه  
 قال و اخریتم و اخذتم علی ذلکم اصغر قالوا  
 افرینا قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین  
 و در مورد دیگر ولایت آنحضرت را بذكر الله ابرار  
 فرموده كما قال الابد ذکر الله نظائر القلوب  
 و در حق ایشان خاصی که نور ولایت را که ذکر الله و  
 ایمان از هر شتر و گوسفندی است فراموش ننمودند  
 و بر خاستند عذیده مستلانی شدند میفرماید یا داود



انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس  
بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله  
ان الذين يضلون عن سبيل الله لهم عذاب  
شديد بما كانوا يعملون الحساب وفتنة لهم  
ميثاق ولايت فراموش نمود بصدمة او را و توبه  
وانابه و عز و اندوه مبتلا گردید و در حق عامه  
خلافتی که فراموش کنندگان نور ولايت مطلقه  
علویه هستند در وقت اشراق روح ارحم منفرماید  
فلما نسوا ما ذكرنا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء  
حتى اذا فرجوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا  
هم مبلسون و در مورد دیگر منفرماید فلما نسوا  
ما ذكرنا به نجينا الذين يهتدون عن السوء واخذنا



الذین ظلموا بعد ذاب یسین یا کانوا یفسرون  
 و در منتهی آیه دیگر میفرماید والکن منعناهم و آیاتهم  
حتى نسوا الذکر و کانوا قلوبا یوسرا اگر مجموع  
 آیات و اخبار یکدیگر در این مورد واقع است نوشته  
 بشود مطلب از سمت مختصار و فقصار خارج شده  
 بطول خواهد انجامید و از مقصود باز میمانیم بأنکه لو  
ولایت در بنی نوع انسانی در قلوب آنها متودع است  
و در حیوانات بواسطه آنکه قلوب آنها قابل نور و لای  
نیت بحکم افتد نام هواء نور ولایت در نظر  
آنها قرار گرفته و آنها را از مصالح و مضار که راجع  
بآنهاست آگاهی میدهد طعمه که منظر طبیعت آنهاست  
از خوردن آن نمیکنند و دشمنان آنها را با آنها نباید



چنانچه چه گویند بجز آنکه از مار متولد میشود و از کرک  
حبس ناب میکند و مخالف است و حال آنکه ابد او را  
ندید است و رحمت عدمه بچه و دندان او ننگشده و  
ببین منوال است حالت هر دشتن و طبر کبوتر از  
شایین اعراض میکند گیک از باز بهر اسان است  
و محوم آنها از عقاب خائفند و مجموع بهایم از شیر  
و پلنگ و کرک و سایر سیباع ضار و پشاور و نو  
و لایست که برانند مگر مشاهد شده است که طهور  
در محراب نشسته اند و آفتود مشغول کار خود اند  
و دام که انسان خیال صید آنها را ندارد در کمال  
اطمینان نشسته اند بجز آنکه صید نمودن آنها را در ط  
مکذرا نه قورایه و از میکنند و همین حالت در بهایم



ملاحظه شده است هر وقت که از نور و دوست غفلت  
نمایند طعمه سباع میشوند و رسید این دو آن چنان  
شد نجات در این است که قلب نبی آدم دوست  
و دشمن خود را بشناسند و اقدیه سمیه را نمی فهمند  
حال آنکه حامل نور ولایت هستند و جنتش این است  
که غفلت از قلب خود دارند و بجا فطرت خودشان توجه  
نمایند لا جرم بزحمات و بلکات مبتلا شوند  
و در آیه دیگر آنحضرت را مقام رب نامیده یعنی خلیفه  
و قائم مقام پروردگار چنانچه میفرماید و لم یخاف  
مقام سر به جانشان مسلم است که خوف از  
خلیفه خدا و شخصی که نازل نموده ربوبیت است دلیل  
خدا شناسی و معرفت الله خواهد بود و لکن خوف

ملاحظه شده است هر وقت که از نور و دوست غفلت  
نمایند طعمه سباع میشوند و صید این دکان خواهند  
شد نجات در این است که قلب نبی آدم دوست  
و دشمن خود را بشناسند و اقدیه سمیه را نمی فهمند و  
حال آنکه حامل نور و لایت هستند و جانش این است  
که غفلت از قلب خود دارند و بجا فطرت خودشان توجه  
نمایکنند لاجرم بزخات و بلکات مبتلا شوند  
و در آیه دیگر آنحضرت را مقام رب نامید یعنی خلیفه  
و قائم مقام محمد در کار خیا نچه میفرماید و لیکن خاف







محببت ولایت علی بود که الی حال در میان اهل اسلام  
برقرار است بلکه مجموع اسپا با ولاد و انتخاب خود  
شان وصیت اطاعت و محبت حضرت ولی مطلق را  
نمودند چنانچه میفرماید شرع لكم من الدين ما وصى  
به نوحا والذي اوحينا اليك وما وصينا به  
ابراهيم وموسى وعيسى ان اقيموا الدين ولا  
تتفرقوا فيه كبر على المشركين فان دعوتكم اليه الله  
يجبى اليه من يشاء ويهتك اليه من يذبح  
وما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا  
بينهم ولولا كلمة سبقت من ربك الى اجل  
مسمى لفضى بينهم وان الذين ادرثوا الكتاب  
من بعدهم لفي شك منه مريب فلذلك



فادع واستغفم كما امرت ولا تتبع أهواءهم وقل  
 آمين بما أنزل الله من كتاب وامر بآمل بينكم  
 الله ربنا ورتبكم لنا أعمالنا ولكم أعمالكم لا  
 حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا واليه المصير  
 این آیات متوالیات خبر میدهد باینکه ولایت  
 علی بن ابیطالب امرست که وصیت کرده است  
 بآن نوح و همانست که خدا بوی پیغمبر آخر الزمان  
 فرستاده و همانست که وصیت کرده است باقامه  
 آن ابراهیم و موسی و عیسی باینکه ولایت ولی الله را  
 برپا دارند و تفرقه را دهنمایند و عدم تفرقه در ولایت  
 آنحضرت بشیرکن کران میآید و دعوت نمیشوند بوسی  
 ولایت خدا تعالی هر که را بخواهد بقبول ولایت



مستقیض میکنند و ایشان از ولایت ولی الله منفرق  
 نشدند مگر وقتیکه برای آنها علم حاصل شد که آنحضرت  
 ولی مطلق و طایفه پیغمبر است اگر نه بود که بجهت آنها قوی  
 معین شده است هر آنکه در دنیا مکافات عمل آنها  
 واقع میشد و اشخاصی که بعد از آنها می آیند در ولایت  
 آنحضرت شک و ریب خواهند داشت و بجهت اظهار  
 ولایت و خلافت علی خلق را دعوت کن و تقسیم آلای  
 باش همچنانکه امر کرده شد و متابعت آرزوهای پیغمبر  
 کن بگو ایمان آوردیم با آنچه خداست و امر فرموده و غرض  
 نزول یافته که در میان شما بدل قیام نمایم خداست پروردگار  
 من و پروردگار شماست از برای ما اعمال ما و از برای  
 شما اعمال شماست و در آیه دیگر میفرماید



شرع علیه من الدین عالمی اذن به الله ولولا کلمه

الفصل لقضی بینهم وابق الظالمین لهم عذاب الیم

ما حصل منی التمسک امر خطیر ولاست و خلافت را بدست

شخصی دادند له اذن و ابا جازه از طرف خداوندی باشد

اوده نشد اگر نبود کلمه فصل یعنی و عده اخروی بر آینه

حکم میکردیم مابین آنها بدستیکه ظالمین بجهت آنهاست

عذاب دردناک و در آیه دیگر آنحضرت را

روح و امر رب و علم بیان فرموده کما قال الله تعالی

یسئلونک عن الروح امر ربی و ما اوتینکم

من العلم الا قليلا یعنی سوال میکنند از تو بفرست

روح را بگو روح از امر رب و در کار است و ما از شناسا

علم شما ابراز نمودیم مگر قلیلی از آن رسول خدا فرمود



انا مدینه العلم وعلی بابها مختصر معنی آیه مذکوره  
 این است که خدا فرمود از فضایل و مناقب محمد و علی که  
 حقیقه علم و باب علم هستند شما اظهار کردیم مگر قدر بسیار  
 قلیلی و در آیه دیگر میفرماید انی امر الله فلا یستعجلوا  
 سبحانه و تعالی غما یشر کون محقق است امریکه خداوند  
 با و اتیان فرمود و ظاهر ساخت علی بن ابیطالب است  
 چنانچه رسول خدا فرمود کان علی بن ابیطالب مع  
 جمیع الانبیاء مترا و معی جهراً و از جمله اسامی  
 آنحضرت که در قرآن مرموزا وارد شده کلمه کرسی و کلمه  
 علی و کلمه عظیم است چنانچه میفرماید و سع کرسیه  
 السموات و الارض و هو العلی العظیم و از جمله  
 اسامی آنحضرت که در قرآن وارد شده نصر و فتح است







وادی بر سر جوی  
از باده و گلستان  
در میان کوه و دریا  
در میان کوه و دریا  
در میان کوه و دریا  
در میان کوه و دریا  
در میان کوه و دریا  
در میان کوه و دریا

مرئوزا بیان شده کلمه امانت است چنانچه میفرماید  
 اَنَا عَرْضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ  
 فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا فحمله الإنسان أنه  
 كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا مقصود از لفظ امانت حمل نوز  
 ولایت حیدر کرار است که نشان حال اوست و در حق  
 معرفت و شناسائی انجذاب ظلوم و جهول است و  
 بطور یقین بدان که آیه وَلِكُلِّ وَجْهٌ لَّهُ مَوْلَاهُ  
 وَآيَةُ قُلُوبِ الرُّوحِ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَآيَةُ اَنَا عَرْضْنَا الْأَمَانَةَ  
 عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هِيَ حَقِيقَةُ تَبِيطِ  
 نَوَازِيَةِ شَاهِ دِلَالِيَتِ پناه است نعم فاقای  
 نه نکر و در پرشیم اراورا پرنیان خوانی و عمر بر و پند  
 و بطور یقین مقصود از عرش همان وجه است



كما قال الرحمن على العرش استوى رباعى اى  
 بر تو نور حضرت سبحانى نام تو علما و بس عظيم شانى  
 هست جهان از ارستى هست هست ز هر چه هست خود ميد  
 حق شمس و علبيت في مثل ماشر او اين باشر او كانه باشد  
 اينها مثل و قافيه شكست سبى ماين خدا و حق نمى كند مو  
 و ديكر از اسامى مرموز با نحضرت كه در قرآن مجيد ملحوظ شده است  
 اسم نور است و با غلب آيات الا قليل اين كلمه نورانيه  
 اشاره با نحضرت است چنانچه مى فرمايد فامنوا  
 بالله و برسوله و النور الذى اترلنا و الله بما  
 نعملون خير و در آيه ديكر مى فرمايد يربيد و ربطفوا  
 بافواههم ابي الله الا ان يقر نوره و لو كره الكا  
 فرون و سحرين فرموده يا ايها الناس قد



جائکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً  
 برهان عبارت از حقیقه محمدیه است نور مبین عبارت از  
 شاه ولایت پناه است از کلمه انزلنا الیکم نوراً مبیناً  
 محقق میشود که مقصود علی علیه السلام است اگر مقصود  
 قرآن مکتوب بود انزلنا الیه میفرمود که ضمیر راجع برهان  
 از حقیقه محمدیه است بشود چون بلفظ انزلنا الیکم بیان فرمود  
 و خطاب الیکم راجع باینها التماس است ثابت میگردد  
 که در این آیه نور نازل شده مخلوق یعنی ظاهر شده مخلوق  
 علی بن ابیطالب است که او را بحسب ظاهر نیز ابوطالب  
 میگویند مسلمی کل است که قرآن مجید نازل شده بخلیق  
 نازل شده است و در مورد دیگر خدا تعالی آنحضرت  
 را ام الکتاب نامیده است چنانچه میفرماید هو الذی







بجهت حدوث فتنه و فساد و زنا و میل آنها برای خودشان  
و ما بعلم ناویل الا الله و نمیدانند تاویل آیات مکتوبه  
را سوای خداستعالی و الزا سخون فی العلم یعنی رسوخ  
کنندگان در علم که شیعه آل محمدند و در شناسائی  
علم که حقیقه محمد و آل محمد است ثبات قدم دارند  
بفولون امتثابه کل مرعجب در تنبأ و باید ذکر اله  
اولوالالباب از قبیل سلمان و ابازر و سایر  
اصحاب و شیعیان آل محمد میگویند مجموع آیات  
محکمات و متشابهاست از جانب پروردگار هستند  
بمجموع آنها معتقد و معتبریم و مذاکره بمطلب را نمیکند مگر  
صاحبان بصیرت که مطیع حیدر گزار و آیات کلام الله  
هستند بعضی از علما که را سخون در علم را عبارت از ائمه

حضرت فاطمه زهرا  
 رومی خدا بهم حفظ  
 ماورای صفات کل  
 من ایسم و ایدرو  
 و عجب این زیناب  
 از این چهارده  
 و یقین امکا  
 و الاخر

ایجاب و  
 من  
 الملکیه مع  
 شذو جمال الملک  
 اللامو  
 ونبه جمال کل  
 فنباء علی  
 ما فی لبقه ارشاد  
 عالم سوی ای  
 و علی  
 شکر و تحسین  
 صلوات علی  
 سر و بدن  
 معلوم و علی  
 منباز و علی  
 بیات باصلهای  
 بیات است بقدر  
 حکمات است  
 هست که حکمات  
 فنباء بیات  
 حاکم و فنباء  
 و اندوم  
 علو اندوم  
 حکم که فنباء  
 و کتاب

و الله اعلم  
بما في  
الكتاب  
والعقل  
والعلم  
والحكمة  
والنور  
والهدى  
والبر  
والعزت  
والكرامه  
والجود  
والسخا  
والعفو  
والرحم  
والغفر  
والعظيم  
والجبار  
والمتكبر  
والعز  
والجل  
والقادر  
والمتين  
والجود  
والسخا  
والعفو  
والرحم  
والغفر  
والعظيم  
والجبار  
والمتكبر  
والعز  
والجل  
والقادر  
والمتين



و منشا بهات و منشا بهات  
 و منشا بهات و منشا بهات  
 و منشا بهات و منشا بهات

اظهار دانسته اند غلط است بجهت اینکه حقیقه محمد اول  
 محمد حقیقه علم است را سخن در علم شیعیان آنها هستند  
 در این آیه و الا را سخن فی العلم و مقابل و الذین فی  
 قلوبهم ضیق آمده است چنانچه اگر کلمه منه آیات محکات  
 بن اقم الکتاب آشکار است که مقصود علی و اولاد او است  
 چنانچه آیات محکات در همین مجلد بود میفرمود فی آیات  
 محکات بن اقم الکتاب اگر کلمه منه محقق میشود که آیات  
 محکات یعنی حکم کنند و تنطق کنند خارج از این  
 کتاب مکتوب است چنانچه رسول خدا فرمود انی تارک  
 فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی یکی از ثقلین  
 آیات محکات اعم الکتاب اند و دیگر قرآن مکتوب و محفوظ  
 بین الدفتین پس چنانکه حیدر کرار در غرره صفین و فتیحه

منظور و مقصود از  
 اینها علی بن ابیطالب است  
 و فرزندانش امام  
 اند علیهم السلام  
 که محکات است  
 عالم و عالم فیماری  
 است اند و که ذکر  
 فیکم و قرآن  
 خارجی و آینه اند



لشکر معاویه قرآنهارا بر سر نیزه نصب نموده بودند محض القاء

شبهه در لشکر آنحضرت لهذا شاه ولایت پناه فرمود

انا كلام الله الناطق یعنی مسم کلام الله ناطق و اتم الکتاب

اعتنا بحمله معانیدن بکسبند که محض حمله و فساد است

و از جمله ضمایر یکیه در کلام ملکت قلام بحضرت و لا یتکلم

صلوات الله و سلامه علیه راجع شده هو الاول

والآخر والظاهر والباطن وهو بکلشی عليم

اگر چه بحسب ظاهر در اول سوره حدید میفرماید سنج

الله ما فی السموات والارض وهو العزيز الحكيم

له ملک السموات بحی و میب و هو علی کلشی

قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن

و هو بکلشی عليم ضمیر هو الاول راجع باول سوره

والارض



که سنج الله است می باشد و لکن بقراین خارجیه محقق میشود  
که بحضرت ولایتی است راجع او ضمیر هو الا اول بصورت  
ظاهر اسمی از انتخاب مذکور نشد است و اضمار قبل از کلام  
روانیست یعنی بواسطه عدم نظم و ترتیب قرآن است  
که خلیفه ثانی بروشی که آیات نازل شده بود مرتب نمود  
و ثبت نکرد بلکه آیات را باقتضای میل خاطر خودش  
چکد بیکر مخلوط نمود که مقصود بیکه از نزول آیات منطبق بر حضرت  
عزت بود مفهوم نکرد و چنانچه در اغلب آیات معین است  
که آیه بعد ربطی بآیه اول ندارد و انتخاب مجموع نسخ  
کلام الله را غیر از آنچه خودش مرتب نموده بود است  
این آیه هم بنظم طبیعی خود باقی نمانده باشد و این معنی را  
از این فقره دریافت میمائیم که روزی سرور کائنات



در مسجد مدینه بمولای متقیان فرمود یا علی داخل صحن مسجد  
 که آفتاب بنویس سلام خواهد نمود آنحضرت بکلمه خواجه  
 کاینات در مقابل آفتاب ایستاد صدای آفتاب  
 مسموع شد که بزبان صبح فرمود السلام علیک  
 یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا من هو بکل شیء علیم  
 اشخاصی که حضور داشتند و این خطاب مستطاب  
 را شنیدند برآشفند و همه در میان ایشان  
 افتاد که این اوصاف تعلق بذات احدیت دارد  
 چون قبل و قال اصحاب بسمع شریف بسیار  
 بنا و بی که مقتضی سکین خاطر آنان بود بیان فرمود  
 آرام گرفتند و ساکت شدند فرمود مقصود از اول  
 الت که اولین شخصی که تصدیق نبوت مرا نمود <sup>علیست</sup>







ان الله خلق الاشياء بقدرته اي ظهر الاشياء  
بقدرته و مقصود از باطن همان معنی وجه الله است  
که در بیان معنی آیه مبارکه و لكل وجهه هو وليها  
مرفوم شد نعم ما قال دل هر ذره را که بشکافی  
آفتابش در میان بینی همه می بیند و هیچ نیست جز او  
و حده لا اله الا هو و منظور از یا من هو بکاشی علم  
این است که خاتم انبیاء فرمود انا مدینه العلم  
علی بابها شخصی که باب مدینه علم باشد علم اوین  
و آخرین از ازل تا ابد شهود حضور انور اوست

از ظلمت جل منزله و تبر است

در مورد دیگر میفرماید هو الذی یصورکم فی  
الاحرام کیف یشاء مقصود از در احرام بطن







لا تتركوا  
الشيء من  
الحاجات  
حالتكم في  
الوقت الذي  
هو في







بہایم و حشرات الارض وغیرہ در سطح زمین با سبوحال

میکنند و همچنین روزیوم نظیر المثل من اخیه است زیرا

که برادر آن شخص نواب سبطه تغییر صورت قصد قتل و

اورا میبند و غافل از این است که این سبیل کریم

برادر دوست لاجرم از عشا بر واقوام و سایر امام

در خوف و هراس است و تفصیل این مقدمه

رساله علیحدہ نگاشته شده حاجت تکرار نیست

المحرره ای انکه زلفظ ہو تو ماشی مقصود موجود

سجّ توئی و باقی مفقود ای ذات بسیط و نوری

وی شخص شریف تو بصورت مشهور دیگر از اسامی

آنحضرت که در قرآن مرموزاً بیان فرموده ملکوت

السموات والأرض است خبا نچه سفر ماید و کلام

[illegible]



نری ابراهیم ملکوت السموات والأرض لیسکو  
من الموقنین هذا تعال حقیقه کذب عقلانیه را که عبارت  
از نور محمد و آل محمد است بحضرت ابراهیم نمودارته  
حق البین برای آنحضرت حاصل کرد و محقق است آنحضرت که  
حضرت رب الغزت بجناب ابراهیم نمودار <sup>عظم</sup>  
خلق خودش بودند نه اینکه حقیقه خودش را با ابراهیم  
نموده باشد و قتی که ابراهیم ملکوت السموات  
والأرض را زیارت نمود و علم حاصل که ملکوت السموات  
والأرض حقیقه عقلانیه محمد و آل محمد است و لا یست  
آنها را ملت خود قرار داد این است که اهل سلام  
نسبت ملت خود را بحضرت ابراهیم میدهند  
چون آنحضرت عالم بعظمت شان و جلالت

نری ابراهیم ملکوت السموات والارض لیکو  
 من الموقنین خدا تعالی حقیقه کلبه عقلا نیه را که عبارت  
 از نور محمد و آل محمد است بحضرت ابراهیم نمودار  
 حق البین برای آنحضرت حاصل کرد و محقق است آنحضرت  
 حضرت رب الغزت بجناب ابراهیم نمودار  
 خلق خودش بودند آنکه حقیقه خودش را با ابراهیم  
 نموده باشد و قتیکه ابراهیم ملکوت السموات  
 والارض را زیارت نمود و علم حاصل که ملکوت  
 والارض حقیقه عقلا نیه محمد و آل محمد است و لا  
 آنها را ملت خود قرار داد این است که اهل سلام  
 نسبت ملت خود را بحضرت ابراهیم میدهند  
 چون آنحضرت عالم بعظمت شان و جلالت



آل محمد کردید ایشانرا مسلمین نام گذاشت یعنی سالم  
 از زوال و فنا و باقی بقاء الله شد چنانچه در کلام  
 مجید میفرماید **وَجَاهِدْ وَافِي اللَّهِ حُرَّ جِهَادِهِ**  
**هُوَ أَجْنَبُكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ**  
**حَرَجٍ مَثَلُ آبَائِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمِعْتُمْ الْمُسْلِمِينَ**  
**مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً**  
**عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا**  
**الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ**  
**هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ** در این  
 آیه شاهد بودن رسول خدا را بامته اظهار و شاهد بودن  
 امته اظهار را بخلائق اجمعین تصریح فرموده است از  
 اینجهت است که علم امته اظهار در اشیا اعم از علنین

مؤید علمین و مدبر امور



و بختین و جهات گشته علم حضوری است نه علم حصولی  
و محقق گردید که حقیقه محمد و آل محمد بسیط الحقیقه است  
اشیاء است زیرا که شرط شایده حضور است حصول  
و از اینجهت است که فقهای اسلام مراد ای شهادت  
شایده حضوری معتنا به است شایده حصول را خیال  
صحت و سقم در شهادت میرود در زیارت با پیغمبر  
که بدون شبهه از حضرت امام علی بنی است منفرید  
و انفسکم فی النفوس و اجسادکم فی الاجساد  
و قبورکم فی القبور و همچنین منفرید و كذلك  
جعلناکم امة وسطا لتکون شهداء علی  
الناس لیكون الرسول علیکم از این محقق شود  
که قرأنت جعلناکم امة وسطا باید بآزل



شده باشد علت آنکه ایشان در وسط واقع نشده  
 حضرت رسول شاید آنهاست و ایشان شاید بناس  
 هستند هرگاه امت خوانده بشود و مقصود بجان  
 حضرت رسول باشد این امت عین بناس است و ما  
 عین این امت مثل این است که بگویند آب شایه  
 ماء است و حال آنکه آب و ماء هر دو یکی است  
 همین دلیل بر جا وارد شده است گفت خیر ائمه گفتیم  
 خیر ائمه است و مخاطب گفتیم اهل البیت محمد است  
 نه عموم اهل اسلام دیگر از ما می آنحضرت که  
 در قرآن بمصداق لکتابه البیع من التصریح وارد شد  
 صالح المؤمنین است چنانچه میفرماید در سوره تحریم  
 ان ثوبا الى الله فقد صغت فلوکما وان



قظاهر علیه فان الله هو مولی و جبریل و صالح  
 المؤمنین و الملائکة بعد ذلک طهیر و در همین  
 سوره آنحضرت را بعنوان رعیت ایراد فرموده  
 عسی یرنه ان طلقن ان یتدله از و اجاجیرا  
 منکن مسلمات مؤمنات فانثات ثانیات  
 عابدات سائحات تنیات و ابکارا خیار  
 طلاق زوجات حضرت رسول بدست علی بن  
 ابیطالب بود در این آیه این دو نفر زوجه خود را که منفیرا  
 یتدله از و اجاجیرا منکن مسلمات مؤمنات ال آخر  
 محقق فرموده که ایشان فاقد اوصاف مذکوره بوده اند  
 چنانچه این اوصاف در خود آن دو نفر موجود نبود  
 تبدیل و معاوضه لازم نداشت تعجب در این است

که اهل



که اهل سنتن این آیه را در قرآن بکرات و مراتب  
 خوانده اند و در غدیر خم خطاب مستطاب البیت  
 اوی یکم من انفسکم قالوا بلی یا رسول الله  
 فقال من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم  
 وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من  
 نصره واخذل من خذله را شنیده اند و  
 میباید که میفرماید قل تعالوا ندع ابنائنا وبنائکم  
 وبنائنا وبنائکم وافسنا وافسکم را از حفظ  
 دارند باز محبت معاندین و ظالمین آنحضرت شده اند  
 آیا نزاع و ستفانده عایشه و معاویه در عرب جمل و  
 صفین یا شاه ولایت بنیامین و آل من و آل او  
 بوده است یا هیچ عادم من عاداه بنیامین و جرجی که



از طرفین وقوع یافت از فرط محبت بود یا جود و بعض  
 غالب شد و معاویه در حق آنحضرت در عدد و نصر من  
 نصره شمرده میشوند یا از ضرب و اخلل من خدله  
 بسند محبت و مودت از طرفه حالی است و معمای  
 عجیبی که هیچوقت حل نمیشود همانا بغض آل محمد و قتل  
 اهل تسنن مخزون است و دیگر از اسامی آنحضرت  
 که در قرآن وارد شده کلمه نعمت است که در سوره قمر  
 که آنحضرت خبر میدهد که چون هنگام رحلت تو فرا  
 میرسد دوات و قلم و کاغذ خواهی خواست که  
 تصریح خلافت علی بن ابیطالب را بکتوبی نویسی در الو  
 شخصی مانعت خواهد نمود چنانچه در وقت ارتحال  
 انونی بدوات و قلم و بیضاء کتبا بالرب تصنلوا



بعد فقال عمر حسبنا كتاب الله ان الرجل  
 يهذو ويا للهجر چنانچه در معنی آیه هو الذی انزل  
 علیک الكتاب منه آیات محکمات حق اتم الكتاب  
 و آخر متشابهات و الذین فی قلوبهم ضیق  
 یلتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء  
 تاویل اشاره بهمین شخص است که گفت حسبنا  
 کتاب الله و آیات متشابهات متمسک شدند با  
 محکمات را که اتم الكتاب بودند متروک نمود و کما تقدم  
 ذکره آدمیم بر مطلب خدا تعالی میفرماید  
 والقلم وما یسطرون ما انت ببعده مرتب  
 یجینون وان لك لاجرا غیر ممنون وانك  
 لعلی خلق عظیم فستبصرون یضرون بانکم



المفتون ان مرتبک هوا علم بر جمل عن سبیل  
 وهوا علم بالمهندین یعنی دوات و تسلیم و کاغذ  
 منبتے تو بجهت اظهار ولایت نعمت پروردگار خود  
 دیوانه و دیوان کو و از برای تست در این امر و اراده  
 اجر منت گذاشته نشده بد رستی بود در خلقت  
 عظیمی نمکنی که این متبیل چیزها را یعنی جنون و دیوان  
 بشماراه ندارد و زود است که تو ببینی و اینها  
 بنوبت جنون و دیوان داده اند هم ببینند که  
 کدام یک از شما محسنون و مفتونان هستند  
 بد رستی که پروردگار تو اعلم است کسیکه  
 راه او را کم کرده است و هم او عالم است مکی که  
 راهنمایی میکند و دیگر از اسامی آنحضرت که در قرآن



و نازل شد است کلمه حدید است و این کلمه هم بمعنی آهن است  
 و هم بمعنی شخصی که دانا و زبان آور باشد میفرماید لقد ارسلنا  
 رسلا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان  
 ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد بأس  
 شديد و منافع للناس و ليعلم الله من يصبر و  
 رسلا بالغيب ان الله قوي عزيز قال امير المؤمنين  
 صلوة الله عليه انا قرن من حدید از جمله معانی حدید  
 که در کتب لغت معین شد اولاً بمعنی آهن است و دیگر از معانی  
 که میگویند رجل حدید بر وزن امیر یا رجل حد در وزن عجم  
 یعنی مردیست تیز در زبان آوری و در داستان و فهمید و  
 گرفتن از کلمه و انزلنا الحدید آشکارا است که مقصود شخص  
 عظیم القدر رفیع المراتبه که دارای باس شدید و منافع

حدید از کلمه آهن است و این کلمه هم بمعنی آهن است و هم بمعنی شخصی که دانا و زبان آور باشد میفرماید لقد ارسلنا رسلا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من يصبر و رسلا بالغيب ان الله قوي عزيز قال امير المؤمنين صلوة الله عليه انا قرن من حدید از جمله معانی حدید که در کتب لغت معین شد اولاً بمعنی آهن است و دیگر از معانی که میگویند رجل حدید بر وزن امیر یا رجل حد در وزن عجم یعنی مردیست تیز در زبان آوری و در داستان و فهمید و گرفتن از کلمه و انزلنا الحدید آشکارا است که مقصود شخص عظیم القدر رفیع المراتبه که دارای باس شدید و منافع







ممکن بود که اگر کلمه و اثر نما اخذید مقصود خدا تعالی این بوده است  
 ولیکن عذبه اسباب نصرت و تقویت فریقین از مؤمنان و کافر  
 مخالف و موافق شده است بکلمه مقصود خدا تعالی خفیه  
 علی علیه السلام است چنانچه قائم است با فرمودگان علی  
 بر ابطال مع جمیع الانبیاء و ستر او معی جهرًا  
 و ارا نیم قوله احادیث و اخبار را بدو وصف دارد شده است  
 که مذاکره آنها موجب تطویل است و اتمام نمطلب را در

در جای دیگر خواهم نمود  
آن علی کفایم قرن جدید  
قرنها از قرن من کردید خود  
بروییم دید اعدا بدو  
در شدید هر که تا هم برد

نغمه فافا لمؤلفه  
که ز من شکسته خوش  
هیچ کس از چنگ من جاد نبرد  
خرم هستی آنجا جلد شو  
این از حق دادم ز روزا نسبت

[illegible]

و دیگر

فوز بركة يا علي بن ابي طالب

مجلس



که بقیه این کتاب را در دست خود نگاه دارید و اگر  
 که بقیه این کتاب را در دست خود نگاه دارید و اگر  
 که بقیه این کتاب را در دست خود نگاه دارید و اگر

و دیگر از اسامی آنحضرت که در قرآن مستطوره شده ولی

جنانچه در آیه مبارکه انما اولئکم الله ورسوله واذن

أَمْ نَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

مُزَكَّاةً وَلَهُنَّ رِزْقٌ عَزِيزٌ مُبِينٌ

که اقامه صلوة و اتیان زکوة سبب جود آنها شده و

شاه ولایت از همه آیه الدین نقیمون لصلوة و یوتون

الزکوة و بهم رکابون از سایر ائمه اهل بیت تمیز داده شده است

در آیات قرآنی بعضی نکات مخفیّه دارد که عموم خلایق ابدًا

در یافت نکرد اند و محقق شد اند و نخواهند شد

خُشَا خَالِ اللَّهِ تَعَالَى وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولَ الْأَلْبَابِ

و از جمله اسامی آنحضرت که در قرآن وارد شده عثم بنی سادات

عن الشَّابِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مَحْمُودُونَ كَلَّا سَعِلُوا

[illegible]

10  
 11  
 12  
 13  
 14  
 15  
 16  
 17  
 18  
 19  
 20  
 21  
 22  
 23  
 24  
 25  
 26  
 27  
 28  
 29  
 30  
 31  
 32  
 33  
 34  
 35  
 36  
 37  
 38  
 39  
 40  
 41  
 42  
 43  
 44  
 45  
 46  
 47  
 48  
 49  
 50  
 51  
 52  
 53  
 54  
 55  
 56  
 57  
 58  
 59  
 60  
 61  
 62  
 63  
 64  
 65  
 66  
 67  
 68  
 69  
 70  
 71  
 72  
 73  
 74  
 75  
 76  
 77  
 78  
 79  
 80  
 81  
 82  
 83  
 84  
 85  
 86  
 87  
 88  
 89  
 90  
 91  
 92  
 93  
 94  
 95  
 96  
 97  
 98  
 99  
 100  
 101  
 102  
 103  
 104  
 105  
 106  
 107  
 108  
 109  
 110  
 111  
 112  
 113  
 114  
 115  
 116  
 117  
 118  
 119  
 120  
 121  
 122  
 123  
 124  
 125  
 126  
 127  
 128  
 129  
 130  
 131  
 132  
 133  
 134  
 135  
 136  
 137  
 138  
 139  
 140  
 141  
 142  
 143  
 144  
 145  
 146  
 147  
 148  
 149  
 150  
 151  
 152  
 153  
 154  
 155  
 156  
 157  
 158  
 159  
 160  
 161  
 162  
 163  
 164  
 165  
 166  
 167  
 168  
 169  
 170  
 171  
 172  
 173  
 174  
 175  
 176  
 177  
 178  
 179  
 180  
 181  
 182  
 183  
 184  
 185  
 186  
 187  
 188  
 189  
 190  
 191  
 192  
 193  
 194  
 195  
 196  
 197  
 198  
 199  
 200  
 201  
 202  
 203  
 204  
 205  
 206  
 207  
 208  
 209  
 210  
 211  
 212  
 213  
 214  
 215  
 216  
 217  
 218  
 219  
 220  
 221  
 222  
 223  
 224  
 225  
 226  
 227  
 228  
 229  
 230  
 231  
 232  
 233  
 234  
 235  
 236  
 237  
 238  
 239  
 240  
 241  
 242  
 243  
 244  
 245  
 246  
 247  
 248  
 249  
 250  
 251  
 252  
 253  
 254  
 255  
 256  
 257  
 258  
 259  
 260  
 261  
 262  
 263  
 264  
 265  
 266  
 267  
 268  
 269  
 270  
 271  
 272  
 273  
 274  
 275  
 276  
 277  
 278  
 279  
 280  
 281  
 282  
 283  
 284  
 285  
 286  
 287  
 288  
 289  
 290  
 291  
 292  
 293  
 294  
 295  
 296  
 297  
 298  
 299  
 300  
 301  
 302  
 303  
 304  
 305  
 306  
 307  
 308  
 309  
 310  
 311  
 312  
 313  
 314  
 315  
 316  
 317  
 318  
 319  
 320  
 321  
 322  
 323  
 324  
 325  
 326  
 327  
 328  
 329  
 330  
 331  
 332  
 333  
 334  
 335  
 336  
 337  
 338  
 339  
 340  
 341  
 342  
 343  
 344  
 345  
 346  
 347  
 348  
 349  
 350  
 351  
 352  
 353  
 354  
 355  
 356  
 357  
 358  
 359  
 360  
 361  
 362  
 363  
 364  
 365  
 366  
 367  
 368  
 369  
 370  
 371  
 372  
 373  
 374  
 375  
 376  
 377  
 378  
 379  
 380  
 381  
 382  
 383  
 384  
 385  
 386  
 387  
 388  
 389  
 390  
 391  
 392  
 393  
 394  
 395  
 396  
 397  
 398  
 399  
 400  
 401  
 402  
 403  
 404  
 405  
 406  
 407  
 408  
 409  
 410  
 411  
 412  
 413  
 414  
 415  
 416  
 417  
 418  
 419  
 420  
 421  
 422  
 423  
 424  
 425  
 426  
 427  
 428  
 429  
 430  
 431  
 432  
 433  
 434  
 435  
 436  
 437  
 438  
 439  
 440  
 441  
 442  
 443  
 444  
 445  
 446  
 447  
 448  
 449  
 450  
 451  
 452  
 453  
 454  
 455  
 456  
 457  
 458  
 459  
 460  
 461  
 462  
 463  
 464  
 465  
 466  
 467  
 468  
 469  
 470  
 471  
 472  
 473  
 474  
 475  
 476  
 477  
 478  
 479  
 480  
 481  
 482  
 483  
 484  
 485  
 486  
 487  
 488  
 489  
 490  
 491  
 492  
 493  
 494  
 495  
 496  
 497  
 498  
 499  
 500  
 501  
 502  
 503  
 504  
 505  
 506  
 507  
 508  
 509  
 510  
 511  
 512  
 513  
 514  
 515  
 516  
 517  
 518  
 519  
 520  
 521  
 522  
 523  
 524  
 525  
 526  
 527  
 528  
 529  
 530  
 531  
 532



ثم كلا سيعلمون مقصود از نباء عظيم هلى بن اسطالب  
كه خلايق در او يا مختلف الصور و يا مختلف العقيد  
الصوره و العقيد هيردوشده اند و دست كه علم و اطلاع  
از حقيقه امر حاصل كنند قال اغير المؤمنين عليه  
من عرفنى بالنورانيه فقد عرف الله وقال  
عليه الصلوة والسلام لسان و ابي در  
سئلا عن معرفته بالنورانيه قال لهما مع  
بالنورانيه معرفه الله عز وجل ومعرفه الله  
عز وجل بالنورانيه هو الدين الخالص فانام  
ولا بنى فقد اقام الصلوة والمومن الممخن الذي  
لا يرد عليه شئ من امرنا الا شرح لقبوله  
ولم يشك ولم يردد ومن قال لم وكيف فقد

مجلس اول در بیان احوال و حال و خبر از آنکه







دفعه پنجمه هم که در کتابت و موهان الیهون مظهر علی بن الیهون



















